نگاه

کدام مخرب‌تر است طلاق حقوقی یا طلاق عاطفی؟

سپیده اکبرپوران . جامعه‌شناس

● هفته گذشته خبرگزاری خانه ملت، مصاحبه‌ای را به بهانه افزایش آمار طلاق در کشور با عبدالرضا عزیزی، رییس کمیسیون اجتماعی مجلس، انجام داد تا به کاوش علت‌های آن بپردازد[1]. عزیزی طی این مصاحبه عوامل گوناگونی را برای افزایش طلاق برشمرد، از نفوذ فرهنگ غربی تا ماشینی‌شدن زندگی، از پیچیده‌ترشدن شرایط و الگوی زندگی مشترک تا حق طلاق زنان و... . آنچه در میان صحبت‌های ایشان از کلی‌گویی‌های ژورنالیستی فراتر می‌رفت، انعکاس نتایج پژوهش میدانی بود که اعتیاد به مواد مخدر را اولین عامل و مشکلات اقتصادی را به‌عنوان دومین عامل طلاق معرفی می‌کرد. این پژوهش توسط مجلس انجام شده و می‌توان به نتایج آن اعتماد کرد.

شگفت آنکه این اظهارنظر مهم و اساسی چندان موردتوجه رسانه‌ها قرار نگرفت و در تیتر هیچ‌کدام از خبرگزاری‌ها ظاهر نشد. در عوض آنچه به مزاج رسانه‌ها خوش آمد عبارتی بود که قرارگرفتن حق طلاق در دست زنان را به‌عنوان یکی از عوامل افزایش آن معرفی می‌کرد. با این حساب در تمام بازنشرهای مصاحبه، به‌جای تیتر اصلی شاهد این جمله بودیم: «رییس کمیسیون اجتماعی مجلس: زنان نباید حق طلاق داشته باشند.» گویی رسانه‌ها بیش از آقای نماینده با حق طلاق زنان مخالف هستند. در هر صورت باید از آقای عزیزی و خبرگزاری‌های محترم که ممانعت از حق طلاق زنان را عاملی برای کنترل آن در کشور می‌دانند، پرسید با کاهش مصنوعی طلاق چه خدمتی به نهاد خانواده می‌کنند؟ دیگر برای همه تحلیلگران و جامعه‌شناسان مشخص شده که پرهیز از طلاق حقوقی، نتیجه‌ای جز طلاق عاطفی ندارد. گزارشی که دو هفته پیش در خبرگزاری الف منتشر شد[2]، خبر از این می‌داد که نیمی از جمعیت کشور در وضعیت طلاق عاطفی به‌سر می‌برند. در اغلب موارد، فشارها و هزینه‌های اجتماعی بالا مانع اقدام افراد نسبت به طلاق حقوقی است. بر هیچ‌کس پوشیده نیست که هزینه‌های طلاق برای زن‌ها بسیار بیشتر از مردهاست و با این حساب طبیعی است که آنها تمایل کمتری نسبت به طلاق حقوقی داشته باشند. حال باید پرسید زنی که با وجود همه این موانع اجتماعی و اقتصادی تقاضای طلاق می‌کند، چه رنجی در زندگی دارد و با چه مشکلاتی دست‌وپنجه نرم می‌کند؟ جواب این سوال را می‌توان در مصاحبه آقای عزیزی جست‌وجو کرد که بیشترین آمار طلاق را به اعتیاد و مشکلات مالی نسبت داده و در این میان شیشه را دارای رتبه اول در بین مواد مخدر دانسته است. صفحات حوادث روزنامه‌ها پر است از اخبار مربوط به خانواده‌هایی که درگیر اعتیاد هستند. مردانی که زنان و فرزندان خود را وارد بازار خریدوفروش مواد مخدر می‌کنند، آنها را به دام اعتیاد می‌کشانند، برای گرفتن پول از همسرشان دست به ضرب‌وشتم می‌زنند، همسرشان را وادار به تن‌فروشی می‌کنند یا حتی فرزندانشان را می‌فروشند و حتی برخی از آنها تحت‌تاثیر مصرف شیشه اعضای خانواده‌شان را به قتل می‌رسانند. زن چنین خانواده‌ای که زندگی هرروزه و آینده خود و فرزندانش را تباه‌شده می‌بیند، حال بدون هیچ حمایتی به دادگاه آمده است تا تقاضای طلاق کند، ما برای او چه داریم؟ دست‌وپاگیرکردن قوانین طلاق! مانع طلاق او می‌شویم و روانه خانه‌اش می‌کنیم تا نهاد خانواده را پابرجا نشان دهیم. اما با تداوم چنین خانواده‌هایی جز ضربه‌زدن به نهاد خانواده و ناکارآمد جلوه‌دادن آن چه کمکی به نهاد خانواده کرده‌ایم؟ ممانعت از طلاق زنان- به‌علت اعتیاد یا علل شخصی دیگر- نتیجه‌ای جز پایین‌آوردن مصنوعی طلاق حقوقی و گسترش طلاق عاطفی در جامعه ندارد. جدا از رنجی که این اتفاق بر افراد تحمیل می‌کند، باید به آسیب‌های اجتماعی طولانی‌مدت آن توجه کرد. گویی حواس سیاستمداران ما به این نکته نیست که طی این روند چطور وجهه خانواده در اذهان عمومی تخریب می‌شود و تصویر آن از کانون گرم زندگی، به نهادی خشک و بی‌روح تبدیل می‌شود و چطور کارآمدی و کارکرد آن زیر سوال می‌رود. نتیجه کاهش تمایل جوانان به ازدواج و گسترش روابط جنسی بیرون خانواده خواهد بود. درحقیقت ضربه‌ای که طلاق عاطفی به نهاد خانواده وارد می‌کند، بسیار بیشتر از طلاق حقوقی است. چرا که طی طلاق حقوقی فرد امکان ازدواج مجدد و تشکیل یک خانواده بهتر را دارد.

«چک ضمانتی» سازمان تامین‌اجتماعی، از وزارت نفت سر درآورد

بابک زنجانی ۳/۵ میلیارد «یورو» جابه‌جا کرد

شرق، فاطمه جمال‌پور: بابک زنجانی چک ۳/۵میلیاردیورویی سازمان تامین‌اجتماعی را که در ازای ضمانت تفاهمنامه‌ای که اجرا نشد در اختیار داشت، در ازای بدهی‌اش به وزارت نفت واگذار کرد. تفاهمنامه واگذاری شرکت‌های کم‌بازده تامین‌اجتماعی به بابک زنجانی در نیمه دوم سال ۹۱ و در زمان مدیریت مرتضوی منعقد شد. قرار بود به موجب این تفاهمنامه حدود صد شرکت کم‌بازده سازمان تامین‌اجتماعی به بابک زنجانی واگذار شود و چک‌هایی به مبلغ ۳/۵میلیاردیورو از سوی سازمان تامین‌اجتماعی برای ضمانت اجرای واگذاری‌ها در اختیار بابک زنجانی قرارگرفت. از آن سو قرار می‌شود زنجانی مبلغ ۱۷هزارمیلیاردتومان ین ژاپن را در ازای این معامله به حساب بانک مسکن در مالزی واریز کند. در آن زمان گفته می‌شد که این حساب بانک مسکن در مالزی مشمول تحریم‌هاست و این پول‌ها بلوکه شده است. هیات مدیره در خرداد از مرتضوی گزارش عملکرد می‌خواهد و مرتضوی اعلام می‌کند اتفاقی نیفتاده است. در مرداد هیات مدیره معامله سازمان تامین‌اجتماعی را با شرکت سورینت قشم فسخ می‌کند اما چک‌های ۳/۵میلیون‌یورویی در اختیار بابک زنجانی باقی می‌ماند تا اینکه او این چک‌ها را در ازای بدهی دومیلیارددلاری‌اش به وزارت نفت به این وزارتخانه تحویل می‌دهد و حال، تکلیف ۳/۵میلیاردیورو اموال سازمان تامین‌اجتماعی که متعلق به بیمه‌شدگان این سازمان است و اغلب آنها را حداقل‌بگیران و کارگران تشکیل می‌دهند، مشخص نیست. در اوایل دی‌ماه سال گذشته بود که مرتضوی از ذخیره یک‌سال مستمری و حقوق جامعه تحت‌پوشش سازمان تامین‌اجتماعی خبر داد. آن هم در سازمانی که مدت‌هاست به نقطه سربه‌سری رسیده است و مصارفش بر منابعش پیشی گرفته و هرماه برای پرداخت حقوق و مستمری با مشکلات زیادی دست به گریبان بود. او گفت: «با برگزاری جلسات متعدد با مدیران و همفکری‌ها در حال حاضر یک سال ذخیره احتیاطی پرداخت حقوق و مستمری بازنشستگان و حقوق‌بگیران سازمان در حسابی به نام سازمان تامین‌اجتماعی در بانک رفاه ذخیره شده است.» حاصل برگزاری این جلسات متعدد، معامله با شرکت سورینت قشم متعلق به بابک زنجانی بود. تفاهمنامه‌ای که در تاریخ ۲۷ آذر به امضا رسید و در آن علاوه بر امضای مرتضوی و زنجانی، امضای افراد دیگری از جمله شهنازی‌زاده، رییس وقت هیات مدیره تامین‌اجتماعی، حیدری، مدیرعامل شستا و نجات امینی، معاون اقتصادی تامین‌اجتماعی نیز در آن دیده می‌شود. مدیرعامل بانک رفاه کارگران نیز تعهد کرده بود طبق مفاد این قرارداد، نقل و انتقال مبالغ واریزی را با مجوز تامین‌اجتماعی انجام دهد. در متن تفاهمنامه ذکر شده که «سازمان تامین‌اجتماعی موظف است پس از دریافت وجه در حساب معرفی‌شده یک فقره چک معادل مبلغ دریافتی به شرکت هلدینگ سورینت قشم به‌عنوان ضمانت تا زمان تسویه‌حساب نهایی ارایه نماید.» حال مشخص نیست چرا وقتی وجهی از طرف سازمان تامین‌اجتماعی دریافت نشده است چک‌های ضمانت ۳/۵میلیاردیورویی در اختیار بابک زنجانی قرار گرفته است. یکی از مسوولان سازمان تامین‌اجتماعی که نخواست نامش فاش شود در این رابطه به «شرق» گفت: «در این تفاهمنامه مقرر شده بود که مابه‌ازای هر شرکتی که قیمتش از طریق بورس تعیین شود از حساب فوق‌الذکر در نزد بانک مسکن برداشت شود. براساس تفاهمنامه قرار شد قیمت‌گذاری توسط کارشناسان رسمی دادگستری و از طریق بورس انجام شود. ضمن اینکه قرار بود در ازای تک‌تک واگذاری‌ها قراردادهای جداگانه تنظیم شود و گزارش عملکرد آن به هیات‌مدیره ارایه گردد.» وی افزود: «در خردادماه هیات مدیره در نامه‌ای رسمی از مرتضوی درخواست کرد که با توجه به گذشت زمان، تکلیف تفاهمنامه را روشن کند و گزارش عملکرد را ارایه دهد و مرتضوی در پاسخ اعلام کرد که هیچ اتفاقی رخ نداده است و هیات مدیره در اوایل مردادماه به اتفاق آرا تفاهمنامه را فسخ کرد.» این منبع آگاه در ادامه تاکید کرد: «ارایه چک‌ها به زنجانی در اواخر سال گذشته و اوایل امسال انجام گرفته و بدون اطلاع هیات مدیره و خلاف قانون بود چرا که هیچ پولی به حساب سازمان واریز نشده و واگذاری انجام نشده بود و چک‌ها باید به سازمان برگردد و هیات مدیره در زمان فسخ تفاهمنامه خواستار تحویل اسنادی شد که به خاطر این تفاهمنامه از سازمان خارج شده بود.» وی در ادامه تاکید کرد: «وزارت نفت، سازمان بازرسی کشور و سایر نهادهای مسوول باید در این زمینه ورود پیدا کنند و چک‌ها به سازمان بازگردد و باید پاسخ دهند که چرا این چک‌ها به وی تحویل داده شود سازمان که پولی دریافت نکرده و واگذاری‌ای که صورت نگرفته است؟» این منبع آگاه همچنین گفت: «بانک مسکن هم اعلام کرده که ریالی به حساب این بانک در مالزی واریز نشده است.» هیات تحقیق و تفحص مجلس از سازمان تامین‌اجتماعی همچنان مشغول است. مشغول پرونده تامین‌اجتماعی که هر روز ابعاد تازه‌تر پیدا می‌کند. بابک زنجانی در مصاحبه‌اش گفته «تنها دو، سه بار با مرتضوی دیدار داشته و مشخص نیست چگونه مرتضوی در بازه زمانی بسیار کوتاه تن به معامله‌ای داده که نیازمند ماه‌ها بررسی مدیران ارشد یک سازمان دولتی است.» از سوی دیگر تاکید بر زیان‌دهبودن و به قول بابک زنجانی «علاقه مدیران تامین‌اجتماعی برای خلاص‌شدن از شر این شرکت‌ها» با پرداخت نقدی این میزان پول برای آنها دارای ابهامات و علامت سوال‌های فراوانی است. شرکت‌هایی که به خاطر عملکرد نادرست و سیاسی‌گری در شستا به اینجا رسیده‌اند. اما اینکه بابک زنجانی با چه اطمینانی و چگونه چک ۳/۵میلیاردیورویی (۱۴هزارمیلیاردتومان) تضمین سازمان تامین‌اجتماعی را بابت بدهی ۱۳هزارمیلیاردتومانی‌اش به وزارت نفت داده جای سوال دارد؟ و اینکه بانک مسکن اعلام کرده ریالی به حساب این بانک در مالزی واریز نشده هم خود علامت سوال بزرگ‌تری است؟ آیا بابک زنجانی پول‌هایش را به ایران وارد کرده؟ اگر خیر بابک زنجانی در خارج از کشور با پول‌هایی که او مدعی بلوکه‌شدنش را دارد و بانک مسکن می‌گوید اصلا واریز نشده چه کار کرده است؟ و اینکه آیا چک‌های ۳/۵میلیاردیورویی سازمان تامین‌اجتماعی در دستان بابک زنجانی حاشیه امن او برای شانه خالی‌کردن از بدهی وزارت نفت است؟ حال باید دید گزارش هیات تحقیق و تفحص چه می‌گوید و آیا بالاخره روی انتشار می‌بینند؟ پاسخ وزارت نفت و بابک زنجانی به این ماجراها چیست؟ «شرق» آمادگی دارد پاسخ بابک زنجانی را برای روشن‌شدن ابعاد این ماجرا منتشر کند.

خودمختاری مسوولان مدارس در تنبیه دانش‌آموزان

فهیمه‌سادات طباطبایی: سال ۷۳، دانش‌آموزی به علت داشتن چاقوی ضامن‌دار از مدرسه به مدت نامحدود اخراج می‌شود و بعد از بازگشت دوباره، ناظم و معلمان روی رفتار و حرکات او حساس می‌شوند و هر روز به بهانه‌ای او را بازخواست می‌کنند تا اینکه دوباره از مدرسه اخراج می‌شود و برای همیشه درس و مشق را کنار می‌گذارد. سال ۸۰، دانش‌آموز پسری در پایه سوم‌راهنمایی به این دلیل که هر روز انگشتر عقیق به‌دست می‌کرده و سر کلاس دقت لازم را نداشته، از مدرسه بدون اطلاع پدر و مادر به مدت سه‌روز اخراج می‌شود ولی بعد از چند روز به این‌دلیل که با موتور شخصی به مدرسه می‌آمده، اخراج می‌شود و بعد از آن به‌دلیل ضعیف‌بودن در درس‌ها، مورد توجه بیش از حد معاون و مدیر قرار می‌گیرد که در نهایت عطای درس‌خواندن را به لقایش می‌بخشد و برای همیشه با مدرسه خداحافظی می‌کند. سال ۸۶ یک دانش‌آموز دختر به علت داشتن چند فیلم خارجی در کیفش و چند مساله انضباطی دیگر به آموزش‌وپرورش منطقه فرستاده می‌شود، آنجا با مشورت مدیر به مدرسه دیگری انتقال داده می‌شود، مدیر مدرسه جدید آنقدر این دانش‌آموز را در طول هفته مورد سوال و جواب قرار داده و با او برخورد می‌کند که دانش‌آموز دیگر به مدرسه نمی‌رود و برای همیشه ترک تحصیل می‌کند. سال ۸۹، نمره دانش‌آموزی به‌علت تقلب در امتحانات ترم‌اول، صفر می‌شود. او که سابقه انضباطی نیز داشته، تهدید به اخراج و با تبدیل مساله به دعوای میان والدین و ناظم مدرسه، به مدرسه دیگری تبعید می‌شود.

سال ۹۲، دانش‌آموزی به‌دلیل آوردن تلفن همراه یک هفته از مدرسه اخراج می‌شود و هم‌اکنون با دادن چند نوع تعهد به مدرسه می‌رود و... . اینها تنها مشتی از خروار مسایل تربیتی در مدارس کشور است، ناظم مدرسه که حالا نامش به معاون آموزشی تغییر پیدا کرده به همراه مدیر و معلمان درباره وضعیت اخلاقی و انضباطی دانش‌آموزان تصمیم گرفته و عملی می‌کنند؛ موضوعی که در همه مدارس کشور متداول است و کمتر کسی نسبت به آن اعتراضی دارد. اما علت این رفتار شخصی و البته سلیقه‌ای معاونان آموزشی مدارس چیست؟ چرا هر ناظمی برای یک رفتار غلط که از دو دانش‌آموز مختلف سرمی‌زند، نسخه‌ای متفاوت با دیگری می‌پیچد؟ هر سال چه تعداد دانش‌آموز به علت برخورد سلیقه‌ای و نه ضعف آموزشی و درسی، ترک تحصیل می‌کنند و دیگر به مدرسه برنمی‌گردند؟ آیا وزارت آموزش و پرورش چارچوب خاصی را برای برخورد انضباطی با دانش‌آموزان در اختیار مدارس قرار داده یا مدیران مدارس در این زمینه می‌توانند خودشخصا تصمیم بگیرند؟

یک قانون قدیمی و کلی برای همه دانش‌آموزان

آنطور که در اسناد شورایعالی آموزش‌وپرورش آمده است، طرحی کلی در سال ۱۳۷۹ تحت‌عنوان آیین‌نامه انضباطی دانش‌آموزان به تصویب رسیده که با گذشت بیش از ۱۳سال و تغییر بسیاری از مسایل و معضلات جامعه، هنوز سرلوحه مدیران در برخورد با دانش‌آموزان قرار دارد. در این آیین‌نامه هشت‌صفحه‌ای به‌صورت‌کلی به وظایف دانش‌آموزان، ترغیب و تشویق، تنبیه و وظایف آنها در مدارس اشاره‌شده و به این‌ترتیب اختیار کامل درباره تصمیم‌گیری در بیشتر معضلات به‌وجودآمده را به مسوولان مدرسه محول کرده است.

به‌طور نمونه در ماده ۷۶ بخش تنبیه دانش‌آموزان آمده است: «دانش‌آموزان متخلفی که راهنمایی‌ها و چاره‌جویی‌های تربیتی، در آنها مفید و موثر نمی‌افتد، با رعایت تناسب مورد تنبیه قرار می‌گیرند»، ولی در این بند نیامده که راهنمایی تربیتی دانش‌آموز چند مرحله دارد و مسوولان مدرسه تا چه میزانی باید وی را اقناع کرده سپس دست به تنبیه زنند یا در همین بند به اخراج موقت دانش‌آموز اشاره شده ولی در آن نیامده است که چه تخلفاتی مشمول اخراج می‌شود یا مدیر مدرسه در چه مواردی می‌تواند دانش‌آموز خاطی را اخراج کند.

برخوردهای سلیقه‌ای

شاپور محمدزاده، مدیر کمیسیون اساسنامه و مقررات تحصیلی شورایعالی آموزش و پرورش در این باره به «شرق» گفت: قبول داریم که مقررات انضباطی دانش‌آموزان قدیمی است و با شرایط روز تطبیق داده نشده، به‌طور نمونه درباره ورود تلفن‌همراه به مدرسه در این آیین‌نامه هیچ توضیحی داده نشده و تنها آمده که «خودداری از به کاربردن وسایل تجملی و پرهیز از همراه‌آوردن اشیای گرانبها». اما آیا هم‌اکنون تلفن‌همراه را می‌توان جزو وسایل تجملی و گرانبها به حساب آورد؟ ما در شورایعالی در این موارد هنوز به اجماع نرسیدیم و در حال بررسی موضوعات اینچنینی هستیم. وی افزود: ما قبول داریم که این آیین‌نامه به مدیران مدارس اجازه داده که سلیقه‌ای عمل کنند و هرطور که خود صلاح می‌بینند با دانش‌آموز برخورد کنند ضمن اینکه مدارس جدیدی روی‌کارآمده و فضای متفاوتی بر جامعه حاکم است که این آیین‌نامه پاسخگوی آن نیست. این مقام‌مسوول تصریح کرد: یکی دیگر از اشکالاتی که وارد می‌کنند این است که آیین‌نامه بسیار دانش‌آموزمحور است و حقوق معلمان در آن در نظر گرفته نشده، مثلا نیامده که اگر دانش‌آموزی برخورد بدی با معلم داشت باید چگونه تنبیه شود. محمدزاده اظهار کرد: البته این آیین‌نامه در حال بازنگری جدی است و تاکنون چند پژوهش در این باره صورت گرفته که منتظر اعلام دو پژوهش دیگر آن هستیم تا بتوانیم آیین‌نامه جدید را مطابق با شرایط روز تنظیم کنیم.

باید دست مدیران مدارس را باز گذاشت

ولی مهدی نویدادهم، دبیر شورایعالی آموزش‌وپرورش در این‌باره به «شرق» گفت: ما نمی‌توانیم در مورد تمام مسایل در سطح وزارتخانه تصمیم بگیریم و آن را به مدیرانمان در مدارس ابلاغ کنیم. برخی از کارشناسان حتی اعتقاد دارند این آیین‌نامه هشت‌صفحه‌ای هم زیاد است و باید به دو صفحه کاهش یابد تا مسوولان مدارس بتوانند بهتر تصمیم بگیرند. نویدادهم ادامه داد: در شورایعالی، مطالعاتی را درباره قوانین دانش‌آموزی در چند کشور دنیا انجام دادیم که نشان داد تعداد کمی از آنها، قوانین انضباطی دانش‌آموزان به همراه جزییات را به مدیران بخشنامه می‌کنند و بیشتر کشورها اختیار کامل در تصمیم‌گیری را به آنها می‌دهند. وی با بیان اینکه مشکل از قوانین نیست و باید مدیرانمان به حدی برسند که تصمیم نادرست نگیرند، گفت: اگر مدیران ما به اندازه کافی تربیت شده باشند، می‌توانند درباره هر دانش‌آموز تصمیم موردی و البته صحیح بگیرند چون آنها در متن حوادث و مسایل مدرسه هستند. دبیر شورایعالی آموزش‌وپرورش در پاسخ به این پرسش که آیا همه مدیران ما قابلیت کافی در این باره دارند، اظهار کرد: همه نه ولی نزدیک به ۹۰درصد این توانایی را دارند. طبق سند تحول بنیادین ما باید مدیران توانمندی را در راس مدرسه قرار دهیم تا آنها بتوانند درست و به‌موقع تصمیم بگیرند. اما نویدادهم توضیح نداد هزینه تصمیمات غلط و تبعات سنگین پس از آن را تا زمانی که مدیران به تجربه کافی برسند، چه کسانی باید پرداخت کنند. اما از دیگر مواردی که خلأ جدی خود را در آیین‌نامه انضباطی دانش‌آموزان و همچنین در سطح مدارس نشان می‌دهد، نبود نگاه تربیتی و مشاوره‌ای به تشویق و تنبیه دانش‌آموزان است. مطالعه این آیین‌نامه نشان می‌دهد که نگارندگان این آیین‌نامه دنبال نتیجه آنی هستند و اعتقادی به تربیت در مرور زمان ندارند. معاونان آموزشی مدارس نیز از نمره انضباط، اخراج و تنبیه به‌عنوان اهرمی برای برخورد آنی با دانش‌آموز استفاده می‌کنند و به تبعات بعد از آن کاری ندارند ضمن اینکه اغلب مشاوران در آخرین مرحله و در موضوعات بسیار حاد در جریان امور قرار می‌گیرند و در مقابل تصمیم مدیر و ناظم مدرسه تحرک خاصی نمی‌توانند از خود نشان دهند.

بازرسی کیف دانش‌آموزان و اقداماتی از این دست

مروارید کیا، مشاور مدرسه فرزانگان که بیش از ۱۵سال سابقه فعالیت دارد، به «شرق» گفت: آیین‌نامه انضباطی براساس حال‌وهوای هر مدرسه متفاوت است و چون آیین‌نامه بالادستی خیلی کلی است شورای مدارس جزییات را تعیین می‌کنند. وی با بیان اینکه باید آیین‌نامه انضباطی توام با تربیتی باشد، افزود: باید این آیین‌نامه براساس سن دانش‌آموزان و مقاطع تحصیلی متفاوت باشد. قطعا نحوه برخورد با یک دانش‌آموز ابتدایی متفاوت از دانش‌آموز مقطع راهنمایی یا متوسطه است و تنبیه و تشویق هرکدام فضای متفاوتی را می‌طلبد و با یک نسخه نمی‌توان با همه آنها برخورد کرد. این مشاور امور تحصیلی و تربیتی برخی موارد همچون به موقع حاضر بودن در مدرسه یا پوشیدن اونیفورم دانش‌آموزی را از الزامات و قوانین قطعی مدارس دانست و گفت: در این موارد نمی‌توان سخت‌گیری نکرد چون مدرسه دچار هرج‌ومرج می‌شود و کنترل همه دانش‌آموزان را مشکل می‌کند اما مواردی هم وجود دارد که باید وجه تربیتی را در نظر گرفت. کیا ادامه داد: به‌طور نمونه بازرسی کیف دانش‌آموزان وارد شدن به حریم خصوصی آنها و غیرقانونی است ولی هنوز این اتفاق در مدارس ما رخ می‌دهد که تبعات بسیار منفی دارد و بیانگر این است که مسوولان آموزشی ما به دنبال نتیجه فوری هستند و کمتر به وجه تربیتی تصمیمات خود توجه می‌کنند.

ادامه در صفحه ۱۱

خبر

افزایش ۱۰درصدی مرگ‌ومیر تهرانی‌ها با تشدید آلودگی هوا

● **فارس:** آمار اولیه از آثار و نتایج تشدید آلودگی هوای پایتخت در هفته گذشته بر شهروندان، حکایت از افزایش حدود ۱۰درصدی حمله‌های قلبی و تنفسی و در نتیجه افزایش قابل‌توجه میزان مرگ‌ومیر تهرانی‌ها دارد. بر اساس اعلام سازمان بهشت‌زهرا (س)، روزانه ۱۵۰ تا ۱۷۰نفر در تهران فوت می‌کنند که این آمار در ایام تشدید آلودگی هوا افزایش قابل‌توجهی دارد و علاوه بر این، بنا بر اعلام اورژانس کشور، تشدید آلودگی هوای پایتخت در هفته گذشته، حمله‌های قلبی و تنفسی را حدود ۱۰درصد افزایش داد.

بیمه زنان سرپرست خانوار وارد فاز اجرایی شد

● **فارس:** عضو فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی گفت: پیرو مذاکره حضوری با وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی درخصوص اجرایی‌شدن بیمه زنان سرپرست خانوار، ۳۰درصد از منابع مالی مورد نیاز برای اجرایی‌شدن طرح تامین و بیمه زنان سرپرست خانوار وارد فاز اجرایی شد. فاطمه آلیا گفت: خوشبختانه پیگیری‌ها درخصوص اجرایی‌شدن بیمه زنان سرپرست خانوار به نتیجه رسید و امروز آقای ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی طی نامه‌ای به بنده از اختصاص ۳۰درصد از منابع مالی مورد نیاز برای اجرایی‌شدن بیمه زنان خانه‌دار خبر داد.

ابتکار خبر داد

ساماندهی امواج و پارازیت‌ها

● **ایلنا:** رییس سازمان حفاظت از محیط‌زیست گفت: چنانچه لازم باشد، از ظرفیت‌های شورایعالی حفاظت از محیط‌زیست جهت ساماندهی وضعیت امواج استفاده خواهیم کرد. «معصومه ابتکار» درباره وضعیت امواج و دکل‌های مخابراتی اظهار کرد: استانداردهای مربوط به امواج و دکل‌های مخابراتی و تمامی فعالیت‌هایی که موج تولید می‌کند از بعد زیست‌محیطی قابل بررسی است و باید دستگاه‌های مسوول در این حوزه ورود جدی داشته باشند و نظارت کنند. وی با بیان اینکه سازمان نظارت بر مقررات رادیویی و سازمان انرژی اتمی از متولیان اصلی نظارت بر این مساله هستند، تصریح کرد: از جهت ابعاد زیست‌محیطی و اینکه این امواج در بخش هوا تولید آلایندگی می‌کنند؛ سازمان محیط‌زیست می‌تواند ورود یابد. اگرچه در چند سال گذشته متاسفانه برنامه و ظرفیت‌سازی در سازمان صورت نگرفته است. رییس سازمان محیط‌زیست گفت: این سازمان بر اساس تکالیف قانونی که دارد به مساله امواج و پارازیت‌ها ورود خواهد کرد و با تمامی دستگاه‌ها همکاری می‌کند.

افزایش ۲۲درصدی سقط‌درمانی در ایران

● **شرق:** در شش‌ماهه نخست سال‌جاری سه‌هزارو۹۰۴نفر برای دریافت مجوز سقط‌درمانی به مراکز پزشکی‌قانونی سراسر کشور مراجعه کردند که این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال قبل که تعداد مراجعین دریافت مجوز سقط‌درمانی سه‌هزارو۱۸۲مورد بود، ۲۲/۷درصد افزایش یافته است. بر اساس آمارهای موجود تعداد مراجعین سقط‌درمانی به مراکز پزشکی‌قانونی سراسر کشور در شش‌ماهه نخست امسال سه‌هزارو۹۰۴مورد بوده است که از این تعداد دوهزارو۷۵۳نفر شرایط دریافت مجوز سقط‌درمانی را داشتند و برای آنان مجوز سقط صادر شده است.

۲هزار زندانی مهریه در زندان‌های کشور

● **مهر:** رییس ستاد دیه کشور اعلام کرد: بیش از دوهزار زندانی مهریه در زندان‌های کشور به سر می‌برند که قادر به پرداخت ۱۱۰ سکه برای آزادی خود نیستند.

نخستین جشنواره مطبوعات و رسانه‌ها در حوزه «اچ‌آی‌وی»

● **شرق:** نخستین جشنواره مطبوعات و رسانه‌ها در حوزه اچ‌آی‌وی/ایدز، همزمان با روز جهانی ایدز در ۱۰ آذر امسال از سوی دفتر مقابله با موادمخدر و جرم سازمان‌ملل متحد و با همکاری ستاد مبارزه با موادمخدر دفتر ریاست‌جمهوری برگزار می‌شود. خبرنگاران علاقه‌مند به شرکت در این جشنواره می‌توانند آثار مرتبط خود با این حوزه را به همراه مشخصات فردی تا ۲ آبان به آدرس الکترونیکی hiv. media. festival@gmail. com ارسال کنند.

وزارت راه و شهرسازی
راه آهن جمهوری اسلامی ایران

آگهی فراخوان مزایده عمومی شماره ۶-۹۲-۲۵

نام سازمان مزایده گذار: راه آهن جمهوری اسلامی ایران- اداره کل نیروی کشش.

موضوع مزایده: فروش ۱۲ قلم قطعات فرسوده به شرح زیر:

۱- انواع دنده ۷۰/۰۰۰ کیلوگرم	۵- قطب مسی ۸/۵۰۰ کیلوگرم	۹- باطری ۱۷/۰۰۰ کیلوگرم
۲- کابل بدون روکش ۸/۰۰۰ کیلوگرم	۶- چرخ ۸۰۰/۰۰۰ کیلوگرم	۱۰- ضایعات مس ۱/۵۰۰ کیلوگرم
۳- بلبرینگ ۱۵/۰۰۰ کیلوگرم	۷- کپسول آتش نشانی ۱۴۰ عدد	۱۱- ضایعات چدن ۷۵/۰۰۰ کیلوگرم
۴- ضایعات برنج ۲/۵۰۰ کیلوگرم	۸- فنر ۷۰۰ کیلوگرم	۱۲- رادیاتور ۳۵/۰۰۰ کیلوگرم

میزان سپرده شرکت در مزایده معادل ۵٪ مبلغ کل پیشنهادی خواهد بود.

مهلت و محل دریافت اسناد: حداکثر تا ساعت ۱۶ روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۲/۹/۷- اداره کل نیروی کشش به نشانی: تهران، بزرگراه بعثت، روبروی سیلو، مجتمع کارخانجات راه آهن، ساختمان شهید تاجیک، اداره کل نیروی کشش، گروه تدارکات، امور قراردادها.

مهلت و محل تحویل پیشنهاد: حداکثر تا ساعت ۱۶ روز شنبه مورخ ۱۳۹۲/۹/۲۳ به امور قراردادهای گروه تدارکات به نشانی فوق. لازم به ذکر است ارائه مدارک و سوابق مزبور هیچ گونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد.

قیمت اسناد و نحوه واریز وجه: مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ ریال به حساب جاری (۶۷-۵۷۴) نزد بانک مرکزی به نام راه آهن جمهوری اسلامی ایران قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی ایران.

زمان مزایده و محل برگزاری جلسه: ساعت ۱۰ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۲/۹/۲۴- اداره کل نیروی کشش واقع در: تهران، بزرگراه بعثت، روبروی سیلو، مجتمع کارخانجات راه آهن، ساختمان شهید تاجیک، اداره کل نیروی کشش، گروه تدارکات، امور قراردادها.

برای کسب اطلاعات بیشتر به پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات کشور مراجعه نمائید. http://iets.mporg.ir

در ضمن هزینه آگهی فراخوان مزایده، به عهده برنده می باشد.

اداره کل نیروی کشش
راه آهن جمهوری اسلامی ایران

م/الف ۳۷۴۷

کانون وکلای دادگستری مرکز

آگهی ثبت نام داوطلبان بیست و هشتمین دوره هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز

نظر به اینکه بیست و هفتمین دوره هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز در شرف انقضاء است لذا از کلیه وکلای پایه یک دادگستری مقیم مرکز که داوطلب عضویت در هیأت مدیره دوره بیست و هشتم بوده و دارای شرایط مقرر در ماده ی۴ لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ و ماده ی ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶/۱/۱۹، هستند دعوت می شود که از روز سه شنبه ۹۲/۹/۵ لغایت پایان وقت اداری روز یکشنبه ۹۲/۹/۲۴ جهت ثبت نام به دفتر هیأت نظارت واقع در محل کانون وکلای دادگستری مرکز طبقه چهارم شرقی مراجعه نمایند.

رئیس هیأت نظارت بر انتخابات
دکتر گودرز افتخار جهرمی